

گفتار از یابنده اسرار

(حقایق مطلق)

برگرفته از کتاب "از دهای خودی"

تألیف سید بهاء الدین مجروح

تعريفات و توضیحات:

تعريف زندگي:

زندگي پديده طبيعيت است که در نخستين اشکال ساده و بسيط خود، جز جهان هاضمه، چيز ديگري نيست. و جز اراده تسلط اين عضو بر ماحول زيست، مرام برتري ندارد. کوتاه: زندگي شکم است، و نيروي حرکت آن اراده حاکميت بر عالم. توضيح: اشکال گوناگون حيات، مراتب برتر و پيشرفته تر تکامل شکم اند. مراحل پيچيده تر مبارزه خستگي ناپذير شکم در راه بزرگي و بقاء.

تعريف مرگ:

مرگ، اشباح کامل جهاز هاضمه است، از خوردن و نوشيدن. تجزيه آن عضو به مواد کيمياوي ترکيب دهنده، و برگشت آن مواد به زمين، تا غذائي براي معده ديگري بوجود آيد. مرگ درينست که شکم از خوراک باز ماند و خود، خوراک شکم ديگري گردد. کوتاه: مرگ انتقال شکم است از حالت خورنده مواد خوراكي بخود مواد خوراكي.

تعريف انسان:

انسان زنده جانبيست که در آن جهاز هاضمه متکامل، در راه مبارزه براي تسلط عالم، سلاح مؤثر عقل و شعور را بکار مي برد. کوتاه: آدمي شکم متکامل است مسلح با هوش و ذكاء.

شکم پروري و شکم پرستي

تعريف شکم پروري:

شکم پروري نوعي از شهوت است که کيفيت خوراک را در نظر دارد، نه کميت آنرا. و در آن برداشتن لذت از خوراک هدف نهايي ادراک قرار ميگيرد. توضيح: شکم پروري از مرام سروري بيگانه است، تهديبي در اراده قدرت ندارد. بلکه سستي و کهالت بار مي آورد و آدمي را از مبارزه باز ميدارد.

تعريف شکم پرستي:

شکم پرستي، فضيلتي است که در آن کميت خوراک در نظر است، نه کيفيت آن، و تلاش در راه شکم، مبدل به مبارزه براي تسلط بر عالم ميگردد. توضيح: شکم پرستي راه را بسوي قدرت طلبي ميکشاید.

گرسنگي و سيري:

توضيح: اگر گرسنگي شکم وسيله است، اما شکم غايه نيست. مرام نهايي کسب قدرت است. نيروي قدرتمندان شکم سيري، در گرسنگي شکم گرسنگان است. از اينجا، گرسنگان را گرسنه نگه بايد داشت، گرسنگي بايد آموخت و بر شمار گرسنگان بايد افزود. تا زورمندان، زورمندتر گردند. زيرا شکم سيران را توان آن نيست که براي شکم سيران بجنگند. فقط شکم گرسنگان، مبارر و سرباز اند و نگهبان قدرت شکم سيران صاحب امتياز.

گرسنگي انقلابي:

مبارزه براي شکم، مبارزه در راه قدرت است و اما قدرت وسيله براي غايه ديگري نيست. قدرت، غايه في نفسه است. هدف براي خود است. قدرت در خدمت گرسنگي نيست، بلکه گرسنگي در خدمت قدرت است. گرسنگي حقيقي، گرسنگي قدرت است، و اين گرسنگي انقلابي است.

معيار خير و شر:

نه نيكي را پايه و بنيادي در نفس خود است، و نه بدني را. نه حقيقي در ماهيت خود تهديبي دارد و نه خطائي. نه زيبائي بر خويشتن استوار است، و نه زشتي نئي. همه ضد همدگر اند و هيچ يكي را برتري مطلق بر ديگري نيست. همه وسايل اند در خدمت يگانه معيار مطلق، و آن اراده قدرت است. مطابقت حقيقي در قدرت است. و قدرت حقيقي در مطابقت. ارزش ارزشها، مدار جنبشها و معيار جهش ها همين است. افسونگر قدرت، دروغ محض را به راست مطلق مبدل ميسازد، شر و فساد را چون قانون ريخته، از پولاد جاري ميگرداند. زشتي نفرت انگيز را چون زيبائي دلاويز جلوه گر مي نمايد.

بهشت در جهنم:

طالبان قدرت بايد در گفتار بهشتي بنمايند و در كردار جهنمي بسازند. زيرا، بهشتي در گفتار، انگيزه كردار است و اما بهشتي در واقعيت، فاجعه براي قدرت است.

اگر بهشت جهان ايمن خوشي ها و لذت هاي بي پايان باشد، كه در آن نه از درد گرسنگي اثيريست و نه از رنج بيماري خيري. نه تشويشي از مصيبت و نه ترسي از آفت. پس در چنان مكاني نه به امري نياز خواهد بود و نه به ماموري. نه حاكمي خواهد بود و نه محكومي. در نتيجه كاخ فرمانروائي فرو خواهد ريخت و فرمانروا رهسپار ديار نيستي خواهد گرديد.

و اما اگر در عمل، آدميان را در جهنم بيش از پيش سوزانتر فرو بريد، و در گفتار، بهشت بريني بپيم بنمايند، آن بهشت، در پندار ايشان بيش از پيش جالب تر و رنگين تر جلوه خواهد كرد، و مردم در راه رسيدن به آن كار و پيكار را بيشتر شدت خواهند بخشيد و دستگاه اقتدار را محكمتر استوار خواهند ساخت.

نظم انقلابي و نظم ضد انقلابي:

نظم ضد انقلابي: را هدف ايجاد ايمني است كه در آن مردم احساس خطر ننمايند و هر كس با خاطر آرام مطلوب خود را بجويد. همه آسوده و آزاد زندگي كنند و بر پايه اعتماد، روابط دوستي با همدگر برقرار سازند.

تهداب اين نظم، دوستي و محبت است و حاصل آن بي اعتنائي به فرمانروا و بي نيازي از قدرت است.

نظم انقلابي: را هدف براه انداختن هرج و مرج و تسلط بر هرج و مرج است كه در آن هر چه بيشتر اشخاص، از ترس بي امني روز افزون، داخل ميدان پيكار مي شوند و بيش از پيش آماده فرمانبري مي گردند. مردم در فضاي بي اعتمادي تام، با احساس دائمي ترس باهم زندگي ميكنند. افراد، مرامهاي گوناگون خود را از ياد مي برند و در خدمت يگانه مرام، يعني گسترش و استحكام دستگاه قدرت بكار ميرودند.

پايه اين نظم بر دهشت و نفرت است و حاصل آن پرستش فرمانروا و احتياج بدوام و استحكام قدرت ميباشد.

* * *

و در انجام متن زرنگار يا "كتابچه شيطان" اين مطلب با خط سرخ درج يافته بود.

« اين دستور ها حقايق مطلق و پايدارند و گنجينه برترين رموز و اسرار. فقط رهبران انگشت شمار نظام محرومان وفادار ايشان، يعني راهبان عالي مقام، ميتوانند از آن آگاه باشند و بس. فاش كنندگان اين اسرار در عذاب ناگفتني گرفتار خواهند آمد، نزديكان ايشان و بازماندگان ايشان را از نسلي به نسلي مجازات دائمي در انتظار خواهد بود.

* * *